

آذر بایجان

ناشر افکار فرقه دموکرات

دوره پنجم شماره ۱۰۱ فروردین ۱۳۹۲

اعلامیه جهانی حقوق زبانی

مقدمه:

مؤسسات و تشکیلات غیردولتی، امضاء کنندگان "بیانیه جهانی حقوق زبانی" حاضر، گردهم آمده از ۶ تا ۹ ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلونا؛
- با در نظر گرفتن "اعلامیه جهانی حقوق بشر" مورخ ۱۹۴۸، که در مقدمه اش اعتقاد خود را به "برابری حقوق پایه ای بشر، کرامت و ارزش افراد انسانی و حقوق برابر مرد و زن" بیان مینماید؛ و نیز در ماده دوم خود که اعلام میکند "همه افراد، بدون در نظر گرفتن "نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، باورهای سیاسی و یا دیگر باورها، منشاء ملی و یا اجتماعی، مالکیت، محل تولد و یا خصوصیات دیگر"، دارای همه حقوق و آزادیها میباشند؛

- با در نظر گرفتن "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (ماده ۲۷)، و "عهدنامه بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی" به همان تاریخ، که در مقدمه های خود بیان می نمایند آحاد نوع بشر نمیتوانند آزاد شمرده شوند مگر آنکه شرایطی فراهم گردد که آنها را قادر به اعمال و بهره برداری از هر دوی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود نماید؛

- با در نظر گرفتن "قطعنامه ۱۳۵-۴۷"، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که "بیانیه در حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی، اقلیتی، دینی و زبانی" را تصویب نمود؛

- با در نظر گرفتن اعلامیه ها و توافقنامه های (کنوانسیونهای) مجمع اروپا مانند "کنوانسیون اروپایی برای حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی"، به تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ (ماده ۱۴)؛ "کنوانسیون شورای وزیران مجمع اروپا" به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲، که "مقاله نامه (چارتر) اروپایی برای زبانهای منطقه ای و یا اقلیتی

ادامه در ص ۳

افزایش بحران فراگیر و تاثیر آن در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری

کمتر از دو ماه به انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است. آرایش نهایی نیروها هم چنان در ابهام است. پیش بینی و حتی حدس و گمان در باره سرانجام هم آوردها مشکل شده است. بازیگران صحنه سیاست کشور در تصمیم گیری قطعی هر کدام منتظر دیگری است. همه با چراغ خاموش حرکت می کنند.

علل و دلایل این پیچیدگی چیست؟

اصلاح طلبان با جدیت، پیگیر دعوت خاتمی به حضور در انتخابات هستند. از اواخر اسفند ۹۱ تا کنون جهت متقاعد کردن خاتمی برای کاندیدا شدن نامه های زیادی انتشار یافته است. جمعی از وزرا و استانداران دولت اصلاحات، استادان و دانشجویان اصلاح طلب و سبز، گروهی از اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، خانواده شهدا و زندانیان جنبش سبز و جمعی از زندانیان سیاسی و بسیاری دیگر، همگی آقای خاتمی را به احساس مسئولیت نسبت به اوضاع خطیر جاری فرا خوانده اند. خاتمی اما تردیدها رهایش نمی کنند. رئیس دولت هشت ساله اصلاحات، رهبر و خود کامگی هایش را خوب می شناسد. مقابله با آن را یا در توان خود نمی بیند و یا در اوضاع کنونی به مصلحت نمی داند. در چهار چوب تناسب قوای درونی حاکمیت و فعال مایه های بودن باندهای نظامی - امنیتی، اجرای بدون تنازل قانون اساسی را نا ممکن می داند. انجام وظایف ریاست جمهوری دفاع از حقوق ملت، برایش چالش پر تنشی است. او بخوبی می داند که به محض اعلام آمادگی برای کاندیدا شدن، باید جنبشی را رهبری کند که در چهار سال گذشته سرکوب شده، به انزوا کشانده شده و نفس در سینه حبس کرده است. منتظر گشایش راه حضوری است که کارزار انتخاباتی می تواند در اختیارش بگذارد.

ادامه در ص ۲

زلزله شدیدی استان بوشهر را لرزاند

خبرگزاری ها از وقوع زلزله شدیدی در استان بوشهر خبر دادند که متأسفانه منجر به مرگ دهها نفر و زخمی شدن صدها نفر از هموطنانمان در این خطه از کشور شده است.

بنا به اعلام مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران، زلزله اصلی در ساعت ۱۶:۲۲ به قدرت ۶٫۱ ریشتر و در عمق ۱۲ کیلومتری زمین به وقوع پیوسته و در یک ساعت پس از آن نیز دست کم ۹ پس لرزه بزرگ به ترتیب به بزرگی ۴٫۸ ریشتر، ۵٫۳ ریشتر، ۴٫۴ ریشتر، ۴٫۲ ریشتر، ۳٫۴ ریشتر، ۴٫۱ ریشتر، ۴٫۵ ریشتر، ۵ ریشتر، ۴٫۱ ریشتر، ۳٫۶ ریشتر، ۴٫۴ ریشتر و ۴٫۷ ریشتر گزارش شده است.

مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران مرکز این زلزله را شهر کاکلی در این استان گزارش کرده است. خبرگزاری مهر نیز گفته است که تا بامداد روز چهارشنبه، حدود نود پس لرزه در منطقه روی داده و باعث نگرانی ساکنان محلی شده است این زمین لرزه به ساختمانها و تاسیسات شهری و روستایی آسیب گسترده ای رسانده و به گفته رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی، در برخی روستاها، حدود هشتاد درصد از ساختمانهای مسکونی تخریب شده است.

ادامه در ص ۱۱

در این شماره

ص ۹

فدرالیسم

ص ۱۰

سیاست یک زبان، یک ملت و یک پرچم

ص ۱۱

نود سال زندگی پر افتخار

ص ۱۲

راههای تولید پر توزای

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

افزایش بحران فراگیر...

اینکه فراز این جنبش به کجا خواهد کشید، چقدر در محدوده خط کشی های رژیم قابل کنترل است و هزینه های احتمالی آن چقدر خواهد بود، هیچ کس تضمینی نمی تواند بدهد. از سوی دیگر چنانچه این دغدغه ها و تهدیدهای پنهان و آشکاری که علیه رئیس جمهوری پیشین جریان دارد کارگر شود و وی را از نامزد شدن برای انتخابات باز دارد، آنگاه جمع آوری نیروهای اصلاح و تحول به زیر یک پرچم کار آسانی نخواهد بود. کما اینکه از همین حالا تعدادی از چهره های درجه دوم این جریان و به احتمال در هماهنگی با بیت رهبری خود را آماده حضور جداگانه و مستقل کرده اند. در اردوگاه اصول گرایان اما وضع به قرار دیگری است. پس از اعلام موجودیت زود هنگام ائتلاف 1+2، ولایتی، قالیباف و حداد عادل و ائتلاف 5 گانه موثله ای ها و جریان همسو و حضور محسن رضایی در صحنه، جبهه پایداری هم نامزد اصلح خود را معرفی کرده است. گفته می شود کامران لنکرانی وزیر سابق بهداشت احمدی نژاد بیش از دیگران مورد تائید مصباح یزدی رهبر معنوی جبهه پایداری می باشد. جبهه تازه تاسیس حماسه سازان نیز علیرضا زاکانی دبیر کل جمعیت رهپویان انقلاب و یار غار مجتبی خامنه ای را کاندیدا کرده است. از سعید جلیلی و علی لاریجانی هم صحبت در میان است. و هنوز معلوم نیست که این پایان ماجرا باشد. هرچه هست این تراکم حضور مدعیان ریاست جمهوری در میان اصول گرایان صدای بسیاری را در آورده است. پس از علی سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه، تعدادی از مراجع گوش فرمان هم، از این همه تشنت و پراکندگی اظهار نا رضایتی کرده اند.

کشمکش میان دسته بندی های گوناگون اصول گرا، برای باز توزیع رانت و ثروت و قدرت، امر دور از انتظاری نیست. اما بازی از این دست اصول گرایان باید وجوه قابل توجه دیگری هم داشته باشد که مهندسی فضای روانی انتخابات از آن جمله است.

– سقوط روز افزون درجه مشروعیت رژیم ولایت فقیهی ولی فقیه

درماندگی حاکمیت یک دست راست گرایان در مدیریت بحران همه جانبه و اداره روندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پس از هشت سال حکم روایی بلامنازع از مصادیق آشکار سترونی گفتمانی اصول گرایانه است که در راستای تامین منافع مفسدان و رانت خواران با پا فشاری و سنجیده گری به اجرا گذاشته شد و سبب ساز این همه نا بسامانی گردیده است و حالا همان گردانندگان امور بجای پاسخ دهی و واگذاری قدرت، مدعی دیگر باره حفظ تمامی آن شده اند. کاری که بدون دست کاری در شناخت و تجربه مردم و مخوش کردن مرز میان حقیقت و دروغ بسیار دشوار به نظر می رسد. از همین جهت و با همین منظور است که با صحنه گردانی اتاق فکر حاکمیت مستقر در بیت رهبری، هر روز به شخصی از جمع اصول گرایان جبرائیل امین نازل می شود تا او احساس تکلیف کرده، ضمن برانگیز از احمدی نژاد و دولتش و در واقع توبه از کرده های خود و با اعلام سر سپردگی به ولی فقیه و بری داشتن او از هر گناه و مسئولیتی، خود را صالح تر از دیگر همدستان خود برای احراز مقام ریاست جمهوری می داند، استقلال فکر و عمل خود را به آگاهی می رساند. آنهم نسبت به کسانی که به هزار و یک شکل سببی و

نسبی و مصلحتی پیوند داشته است. علت دیگر پراکندگی و چند دستگی میان اصولگرایان، گسترش دامنه نا امیدی نسبت به آینده این جریان است. و در عین حال افزایش نگرانی از اوج گیری روندهایی در داخل حاکمیت که با مشکلات نظام هم خوانی ندارد. صداهایی که بعضا در دفاع از اصلاح طلبان، رهبران و فعالان جنبش سبز بگوش می رسد، هم چنین وجود کسانی که از آنان به ساکتین فتنه یاد می شود، همگی می تواند حاکی از اعتراض ضمنی به قدرت دست بالای گروه بندی نظامی - امنیتی در قرارگاه اصول گرایان باشد.

ملاحظات پیش گفته اما به تنهایی پیچیدگی و نا روشنی در فضای انتخاباتی را توزیع نمی دهد. بعبارت دیگر نمی توان علت اساسی این امر را در چگونگی تقابل و تعامل اصول گرایان، اصلاح طلبان و طرفداران دولت خلاصه کرد. مسئله اساسی این است که کشور در آستانه جنگ، فروپاشی اقتصادی و شورش کور و استبداد بیشتر قرار گرفته است. با بر گزاری انتخاباتی که طی آن نگذارند، نتایج اش از چهارچوب منافع تنگ نظرانه و انحصارگرایانه اصول گرایان و یا اگر درست تر گفته باشیم باندهای نظامی - امنیتی فراتر برود، کشور از وضعی که دچار آن شده است، رهایی نخواهد یافت. از سوی دیگر فراهم شدن هر امکانی حتی اگر از روی اضطرار، به قصد گرم کردن تنور انتخابات و برای جلب مشارکت مردم باشد، ممکن است به بیداری نیروهای فروخته ای بیانجامد که پرچم آلترناتیو وضع موجود یعنی صلح و استقلال، آزادی و عدالت را بر شانه های خود داشته باشند. این همان دو راهه ای است که حاکمیت در میانه راه آن، نگران و مردد، مانده است.

**تاریخ گذشته و حال ملل ساکن
ایران همچنین پیدایش جریانهای
مترقی در جهان طلب میکند که
حاکمیتها، دمکراسی سیاسی را
نهادهینه کنند و زمینه مشارکت همه
ملل را در حیات سیاسی کشورشان
فراهم آورند. از همین روست که
امروز تشکیل دولت فدرال در
ایران به یک مسئله مبرم روز کبدل
شده است.**

از کارپایه فرقه دمکرات آذربایجان

اعلامیه جهانی

"را تصویب نمود؛" اعلامیه در باره اقلیتهای ملی" تهیه شده توسط نشست سران مجمع اروپا در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۹۳؛ و "کنوانسیون چهارچوب برای محافظت از اقلیتهای ملی" نوامبر ۱۹۹۴؛

- با در نظر گرفتن "بیانیه انجمن بین المللی قلم در سانتیاگو د کومپوستلا" و "بیانیه ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ کمیته حقوق زبانی و ترجمه ای انجمن جهانی قلم، در رابطه با پیشنهادی برای برگزاری کنفرانسی جهانی در موضوع حقوق زبانی"؛

- با در نظر گرفتن این امر که در شهر رسیف برزیل، "اعلامیه ۹ اکتبر ۱۹۸۷ دوازدهمین سمینار انجمن بین المللی برای توسعه تفاهم و ارتباط بین فرهنگها"، به سازمان ملل متحد توصیه نمود که گامهای لازم را برای تصویب و اجرای اعلامیه جهانی حقوق زبانی بردارد؛

- با در نظر گرفتن "کنوانسیون ۱۶۹ سازمان جهانی کار" مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۸۹ در باره مردمان بومی و طائفه ای در کشورهای مستقل؛

- با توجه به "اعلامیه جهانی حقوق جمعی خلقها"، بارسلونا، می ۱۹۹۰، که اعلام نمود همه خلقها، در درون چهارچوبهای سیاسی متفاوت از حق افاده و توسعه فرهنگ، زبان و قواعد سازمانیایی خویش و در نهایت از حق پذیرش و دارا بودن نهادهای حکومتی، ارتباطاتی، تحصیلی و سیاسی خود برخوردار میباشند؛

- با در نظر گرفتن "بیانیه نهائی پذیرفته شده در همایش عمومی فدراسیون جهانی معلمان زبان مدرن" در شهر پیچ (مجارستان) به تاریخ ۱۶ آگوست ۱۹۹۱، که به شناخته شدن رسمی حقوق زبانی به عنوان حقوق پایه ای انسانی توصیه نموده بود؛

- با در نظر گرفتن "گزارش کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰ آوریل ۱۹۹۴" در ارتباط با طرح "اعلامیه در حقوق خلقهای بومی" که به حقوق فردی در پرتو حقوق جمعی نظر می کند؛

- با در نظر گرفتن طرح "بیانیه کمیسیون حقوق بشر بین آمریکائی در باره مردمان بومی"، مصوب نشست ۱۲۷۸ به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۵؛

- با در نظر گرفتن اینکه اکثریت زبانهای در خطر نابودی، متعلق به گروههای مردمانی میباشند که از حق حاکمیت ملی خود برخوردار نیستند و اینکه عوامل اصلی که از توسعه این زبانها ممانعت کرده و به روند جایگزینی زبانی دیگر به جای آنها شتاب میبخشند، عبارتند از نبود حکومتهای خودگردان آنها و سیاست دولتها، که ساختارهای سیاسی و اداری و زبان خود بر آنها را تحمیل می نمایند؛

- با در نظر گرفتن اینکه حمله نظامی، مستعمره نمودن، اشغال و دیگر نمونه های به انقیاد در آوردن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اغلب اوقات شامل تحمیل مستقیم زبانی خارجی بوده و یا حداقل، تصورات موجود در باره ارزش و منزلت زبانها را خدشه دار نموده و موجب ایجاد آنچنان رفتارهای زبانی سلسله ای می گردند که وفاداری زبانی متکلمین به آنها را از بین می برند؛

- با در نظر گرفتن اینکه زبانهای برخی از خلقهائی که حاکمیت ملی خود را بتازگی بدست آورده اند، متعاقبا و در نتیجه سیاستی که زبان قبلی قدرتهای استعماری و یا

امپریالیستی را مقدم می شمارد، در روند جانشینی زبانی در می غلطند؛

- با در نظر گرفتن اینکه جهانی شدن میبایست بر اساس تلقی ای از تنوع زبانی و فرهنگی، غالب آمده که بر روندهای یکسانسازی و تجرید حذفی زبانها و فرهنگها، بنیاد گذارده شود؛

- با در نظر گرفتن این نکته که به منظور تامین نمودن همزیستی صلح آمیز بین جمعیتهای زبانی، میبایست اصولی عمومی یافت شوند که تشویق و ارتقاء موقعیت و احترام به همه زبانها و کاربرد اجتماعی آنها در محیطهای عمومی و خصوصی را تضمین نمایند؛

- با در نظر گرفتن اینکه عوامل گوناگون با ماهیتهای غیرزبانی (عاملهای تاریخی، سیاسی، سرزمینی، جمعیت شناسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و اجتماعی-زبانی و عوامل دیگر مربوط به رفتارهای جمعی) مسائلی را ایجاد می کنند که منجر به نابودی، به حاشیه رانده شدن و یا انحطاط زبانهای بیشمار می گردند، و نیز برای اینکه بتوان راه حل های مناسبی برای هر مورد خاصی اعمال نمود، حقوق زبانی میبایست به طوری همه جانبه بررسی گردند؛

- با اعتقاد به اینکه "اعلامیه جهانی حقوق زبانی"، به منظور تصحیح عدم توازنهای زبانی در پرتو تضمین احترام و توسعه کامل همه زبانها، و پایه گذاری اصولی برای صلح و برابری عادلانه زبانی در سراسر جهان به عنوان عاملی کلیدی در حفظ روابط اجتماعی موزون، مورد نیاز می باشد؛

بدینوسیله اعلام می دارد که:

آغاز

موقعیت هر زبان، در پرتو ملاحظاتی که در زیر آمده اند، محصول تقارب و اندرکنش دامنه وسیعی از عوامل با ماهیتهای سیاسی و قانونی، ایدئولوژیک و تاریخی، جمعیتشناختی و قلمرو-سرزمینی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، زبانشناختی و زبانی-اجتماعی، بین زبانی و ذهنی است.

در حال حاضر، این فاکتورها بدینگونه تعریف میشوند:

- تمایل دیرینه یکسانسازی اکثریت دولتها به کاهش تنوع و تشویق رفتارهایی که بر ضد چندگانگی فرهنگی و تکثر زبانی میباشند.

- سیر به سوی اقتصاد جهانی و بدنبال آن بازار جهانی اطلاعات، ارتباطات و فرهنگ که باعث مختل گردیدن محیطهای مناسبات مشترک و گونه های تاثیر متقابلی که انسجام درونی جمعیتهای زبانی را تضمین مینمایند، می شود.

- مدل رشد اکونومیسیستی پیشنهاد شده توسط گروههای اقتصادی ماوراءملی، که خواهان یکی نشان دادن کاهش کنترلهای دولتی با پیشرفت و فردیت گرائی رقابتی بوده و باعث ایجاد نابرابریهای جدی و فزاینده زبانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میگردد.

- جمعیتهای زبانی در عصر حاضر از سوی عواملی مانند نداشتن حکومتهای ملی (خودگردان) خود، نفوس محدود، و یا جمعیتی که به لحاظ جغرافیائی قسما و یا کاملا پراکنده شده است، اقتصادی شکننده، زبانی استانداردیزه نشده، و یا مدلی فرهنگی در ضدیت با مدل فرهنگی مسلط، در معرض تهدید

اعلامیه جهانی

ج- هنگامی که در منطقه جغرافیایی‌ای که در آن با اعضاء جمعیت‌های زبانی دیگری با سوابق تاریخی مشابه، سهیم و شریکند تثبیت شده باشند.

۴- این بیانیه همچنین مردمان عشایری کوچرو در مناطق قشلاق-بیلاق خودشان و همچنین مردمان تثبیت شده در نواحی به لحاظ جغرافیایی پراکنده را به عنوان جمعیت‌های زبانی در سرزمین‌های تاریخی خود می‌پذیرد.

۵- این اعلامیه "گروه زبانی" را بدین شکل تعریف می‌نماید: هر گروه از اشخاص دارای زبان واحد، که زبانشان در محیط سرزمینی جمعیت زبانی دیگری تثبیت شده اما دارای سابقه تاریخی برابری با اشخاص جمعیت مهمانپذیر نبوده نباشد. نمونه های این چنین گروه‌هایی مهاجرین، پناهندگان، اشخاص دیپورت شده و اعضای دیاسپورا می‌باشند.

ماده ۲

۱- این بیانیه اعلام می‌دارد که هرگاه گروه‌ها و جمعیت‌های زبانی گوناگون در سرزمین واحدی مشترک باشند، حقوق مندرجه در این اعلامیه می‌بایست بر اساس احترام متقابل و به گونه ای اعمال شوند که دمکراسی به حداکثر اندازه ممکنه تضمین گردد.

۲- در جستجو برای وصول به تعادل اجتماعی-زبانی رضایت بخش، به عبارت دیگر به منظور ایجاد هماهنگی مناسب بین حقوق مربوطه چنین جمعیت‌ها و گروه‌های زبانی و افراد متعلق بدانها، عوامل مختلفی - علاوه بر سوابق تاریخی مربوطه آنها در سرزمینها و مطالبات آنها که به روشهای دمکراتیک بیان شده اند- می‌باید در نظر گرفته شوند. اینچنین عواملی شامل ماهیت اجباری مهاجرتها، که منجر به همزیستی جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف می‌شود و همچنین درجه آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آنها می‌گردد.

ماده ۳

۱- این اعلامیه حقوق زیر را به عنوان حقوق شخصی غیرقابل سلبی که در هر گونه

شرایط، امکان برخورداری از آنها وجود دارد، قبول می‌نماید: - حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان عضوی از یک جمعیت زبانی؛

- حق شخص برای استفاده از زبان خود در مکانهای خصوصی و عمومی؛

- حق شخص برای استفاده از نام خود؛

- حق شخص برای ایجاد مناسبات و پیوند با دیگر اعضاء جمعیت زبانی مبداء خود؛

- حق شخص برای حفظ و گسترش فرهنگ خود؛

- و همه حقوق دیگر مربوط به زبان که در "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی ۱۶

دسامبر ۱۹۶۶" و "عهدنامه بین المللی در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" به همان تاریخ به رسمیت شناخته شده اند.

۲- این بیانیه اعلام می‌دارد که حقوق جمعی گروه‌های زبانی، علاوه بر حقوق فوق الذکر که تک تک افراد عضو گروه‌های زبانی از آنها برخوردار می‌باشند، در تطابق با

ادامه در ص ۵

قرار دارند. این عوامل، ادامه حیات و گسترش بسیاری از زبانها را عملاً غیرممکن می‌سازد مگر آنکه اهداف اساسی زیرین ملحوظ شوند:

الف) از دیدگاه سیاسی، هدف طراحی روشی برای سازماندهی تکثر و تنوع زبانی به گونه ای که به مشارکت موثر جمعیت‌های زبانی در این مدل توسعه جدید اجازه دهد.

ب) از دیدگاه فرهنگی، هدف تامین و ایجاد محیط ارتباطات جهانی‌ای سازگار با مشارکت برابر همه خلقها، جمعیت‌های زبانی و افراد در روند توسعه.

ج) از دیدگاه اقتصادی، هدف تشویق پایدار توسعه بر پایه مشارکت همه و بر اساس احترام به تعادل محیط زیست جوامع و در روابط برابر بین همه زبانها و فرهنگها.

بنا به همه دلایل فوق الذکر، این اعلامیه مبداء حرکت خود را "جمعیت‌های زبانی" و نه "دولتها" قرار میدهد و می‌بایست به این اعلامیه در متن تقویت موسسات بین المللی قادر به تضمین نمودن توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری نگریست. به همین دلایل، همچنین از اهداف این اعلامیه، تشویق ایجاد چهارچوبی سیاسی برای تنوع زبانی مبتنی بر احترام، همزیستی هماهنگ و منافع متقابل می‌باشد.

عنوان مقدماتی: مفاهیم

ماده ۱

۱- این بیانیه "جمعیت زبانی" را بدین گونه تعریف می‌نماید: هر جامعه انسانی که به لحاظ تاریخی در "محیط سرزمینی" معینی، فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن، سکنی گزیده و خود را به عنوان یک توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله ای طبیعی برای ارتباط و هم بندی فرهنگی بین اعضاء آن توسعه داده است. تعبیر "زبان خاص یک سرزمین" (زبان نیاخاکی) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق می‌شود.

۲- این اعلامیه مبداء حرکت خود را بر این اصل قرار میدهد که حقوق زبانی در عین حال و یکجا، هم فردی و هم جمعی می‌باشند. در تعریف دامنه کامل حقوق زبانی، این اعلامیه مرجع خود را مورد یک جمعیت زبانی تاریخی، در محیط سرزمینی خود قبول می‌نماید. و آنچه از این محیط درک میشود، نه تنها گستره جغرافیائی‌ای که جمعیت در آنجا زندگی مینماید، بلکه محیط اجتماعی و عملی‌ای که برای توسعه و شکوفائی تمام و کمال یک زبان حیاتی است می‌باشد. تنها بر این اساس امکان دارد که حقوق زبانی گروه‌های ذکر شده در نقطه ۵ ام این اعلامیه و حقوق افرادی که در خارج سرزمین زبانی خویش می‌زیند را، برحسب پیوستگی و درجه بندی تعریف نمود.

۳- به منظور کاربرد در این بیانیه، گروه‌هایی که دارای یکی از موقعیت‌های زیر باشند نیز متعلق به یک جمعیت زبانی و ساکن در سرزمین خود شمرده می‌شوند:

الف- هنگامی که آنها از بنده اصلی جمعیت خود توسط مرزهای اداری و یا سیاسی جدا شده باشند.

ب - هنگامی که در طول تاریخ، در منطقه کوچک جغرافیائی‌ای محصور شده توسط اعضاء جوامع زبانی دیگر، تثبیت شده باشند.

اعلامیه جهانی

شرایط تشریح شده در بند ۲۰۲ شامل موارد زیر می‌باشد:
- حق گروه‌های زبانی برای آموخته شدن زبان و فرهنگشان؛

- حق گروه‌های زبانی برای دستیابی به خدمات فرهنگی؛

- حق گروه‌های زبانی برای حضور برابر زبان و فرهنگشان در رسانه‌های ارتباطی؛

- حق گروه‌های زبانی در دریافت توجه و اعتناء نهادهای حکومتی و در روابط اجتماعی- اقتصادی تهیه شده به زبان خود.

۳- حقوق فوق‌الذکر اشخاص و گروه‌های زبانی به هیچ طریقی نمی‌بایست مانع برقراری مناسبات متقابل بین اینگونه اشخاص و گروه‌های زبانی، با جمعیت زبانی مهمانپذیر و یا ادغامشان در آن جمعیت گردد. همچنین این حقوق نباید به محدود نمودن حقوق جمعیت مهمانپذیر و یا اعضاء آن در کاربرد زبان خود جمعیت در سراسر فضای سرزمینی آن زبان منجر شود.

ماده ۴

۱- این اعلامیه بیان می‌دارد اشخاصی که به سرزمین جمعیت زبانی دیگری رفته در آنجا ساکن می‌شوند حق دارند و موظف اند که نسبت به این جمعیت (مهمانپذیر) رفتاری همگرایانه از خود نشان دهند. آنچه از این بیان استنباط می‌شود تلاشی اضافی است از سوی اینگونه اشخاص برای انسبت با اعضاء جمعیت مهمانپذیر؛ به طرزى که در ضمن حفظ خصوصیات فرهنگی اصلی خویش؛ مراجع، ارزشها و گونه‌های رفتاری کافی‌ای را با جامعه‌ای که در آن سکنی گزیده اند سهیم شوند. این امر آنها را قادر خواهد ساخت که به لحاظ اجتماعی و بدون مواجه شدن با مشکلاتی بیش از آنچه اعضاء جمعیت مهمان‌پذیر با آن مواجه اند، کارا عمل نمایند.

۲- این اعلامیه، از سوی دیگر، بیان می‌کند که یکسانسازی - آسیمیلاسیون، تعبیری به مفهوم اخذ فرهنگ جامعه میهمان‌پذیر به شکلی که خصوصیات فرهنگی اصلی، با مراجع، ارزشها و گونه‌های رفتاری جامعه مهمان‌پذیر جایگزین می‌گردند، به هیچوجه نباید تحمیلی و یا جبری بوده و تنها می‌تواند که محصول انتخابی تماما آزادانه باشد.

ماده ۵

این اعلامیه بر این اساس استوار است که حقوق تمامی جمعیت‌های زبانی مساوی و مستقل از موقعیت این زبانها به عنوان زبان رسمی، محلی و یا اقلیتی بودن می‌باشد. در این اعلامیه، تعبیراتی مانند محلی و یا اقلیتی بکار برده نشده اند زیرا - هرچند در بعضی موارد مشخص، شناسایی زبانها به عنوان اقلیتی و یا محلی می‌تواند احقاق برخی از حقوق معین را تسهیل نماید- با اینهمه، این و دیگر تعابیر جرح و تعدیل کننده، غالباً برای اعمال محدودیت بر حقوق جمعیت‌های زبانی بکار برده می‌شوند.

ماده ۶

این اعلامیه اعلام می‌کند که نمی‌توان تنها بر این مبناء که یک زبان، زبان رسمی دولت است و یا به طور سنتی برای مقاصد اداری و یا برخی از فعالیت‌های فرهنگی مشخص در یک سرزمین بکار رفته است، آنرا "زبان خاص سرزمین" بشمار آورد.

عنوان اول: اصول عمومی

ماده ۷

۱- همه زبانها بیان هویتی جمعی و راهی مجزا برای درک و توصیف واقعیت اند و بنابراین می‌بایست که از همه شرایط لازم برای گسترش و پیشرفتشان در همه نوع فعالیت و کارکرد برخوردار باشند.

۲- همه زبانها محصول آفرینش جمعی بوده و به عنوان ابزار همبستگی، تعیین هویت، ارتباط و افاده خلاق برای استفاده فردی در درون یک جمعیت، در دسترس همگان قرار دارند.

ماده ۸

۱- همه جمعیت‌های زبانی از حق سازماندهی و مدیریت منابع خویش، برای تضمین نمودن کاربرد زبانهایشان در همه فعالیتها در درون جامعه برخوردارند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی محق اند که بر هرگونه وسائط لازم امکان برای تضمین نمودن انتقال و پیوستگی زمانی زبان خود دسترسی داشته باشند.

ماده ۹

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم زبانی خود را، بدون مداخلات اجباری و یا القائی، تنظیم و استانداردیزه نموده، حفظ، توسعه و ارتقاء دهند.

ماده ۱۰

۱- همه جمعیت‌های زبانی دارای حقوق برابرند.

۲- این اعلامیه تبعیض بر علیه جمعیت‌های زبانی را غیرقابل قبول می‌داند، فارغ از آنکه این تبعیض بر مبنای درجه حاکمیت سیاسی مستقل جمعیت زبانی؛ موقعیت تعریف شده آن جمعیتها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و یا دیگر لحاظها؛ درجه استانداردیزه شدن، مدرنیزاسیون و یا به روز شدگی زبانهایشان و یا هر معیار دیگری اعمال گردد.

۳- همه گامهای ضرور برای تحقق اصل برابری و به جا آوردن موثر آن می‌بایست برداشته شوند.

ماده ۱۱

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به و استفاده از همه وسائط ترجمه به دیگر زبانها و یا ترجمه از دیگر زبانها، که برای تضمین نمودن اعمال و برخورداری از حقوق ذکر شده در این اعلامیه ضروری باشند، برخوردارند.

ماده ۱۲

۱- هر کس حق دارد که کلیه فعالیت‌های خود را در محیط‌های عمومی به زبان خویش به جا آورد؛ به شرط آنکه آن زبان، "زبان خاص سرزمینی" محلی باشد که وی در آن ساکن است.

هر کس حق دارد که زبان خود را در محیط‌های شخصی و خانوادگی بکار برد.

ماده ۱۳

۱- هر کس حق دارد که زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) خود را که در آن زندگی

میکند بیاموزد.

۲- هر کس حق دارد که چند زبانه شود و بر اساس تضمیناتی که در این اعلامیه برای کاربرد عمومی زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تثبیت شده اند، و بدون هیچ گونه پیشداوری، مناسبترین زبانی را که موجب پیشرفت شخصی و یا تحرك اجتماعی وی می‌گردد آموخته و بکار برد.

ادامه در ص ۶

ماده ۱۴

تدابیر این اعلامیه نمی‌توانند به طرزی تفسیر شوند و یا بکار روند که به نرمها و یا رویه های عملی ناشی از موقعیت داخلی و یا بین المللی يك زبان - که برای کاربرد آن زبان در سرزمین خود مناسبتر می‌باشند- زبان برسانند.

عنوان دوم: رژیم جامع زبانی**بخش اول: ادارات دولتی و نهادهای رسمی**

ماده ۱۵

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که در سرزمین- قلمرو خود به طور رسمی بکار برده شوند.
 ۲- همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که تمام اسناد اداری، مدارک شخصی و دولتی و قیدیات محضرهای عمومی ثبت شده به زبان خاص سرزمینشان (زبان نیاخاک‌شان)، معتبر و قابل اجراء شناخته شوند. و هیچ کس و مقامی نمی‌تواند تظاهر به نادیده گرفتن و بی‌خبری از این زبان بنماید.

ماده ۱۶

همه اعضای يك جمعیت زبانی حق دارند که با مقامات دولتی به زبان خویش ارتباط برقرار کرده و اعتناء متقابل در زبان خود را از آنها دریافت کنند. این حق همچنین بخشهای مرکزی، سرزمینی، محلی و تقسیمات فرامنطقه ای، شامل سرزمینی که زبان مورد نظر، زبان خاص نیاخاک‌ای آن می‌باشد، را فرامی‌گیرد.

ماده ۱۷

۱- همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که به همه اسناد و مدارک رسمی که به نحوی مربوط به سرزمین نیاخاک‌یك زبان می‌باشد، تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته و آنها را کسب نمایند، چه این چنین مدارکی چاپی، قابل خواندن با ماشین و یا در هر فرم دیگری بوده باشد.
 ۲- فرمها و اسناد اداری استاندارد، چه در شکل چاپی و چه در شکل قابل خواندن توسط ماشینها و یا به هر فرم دیگر، باید به همه زبانها تهیه شده و در محل‌های قابل دسترسی برای عموم و استفاده آنها قرار گیرند. این خدمت باید توسط مقامات دولتی به شکلی انجام پذیرد که همه سرزمین‌هایی را که برای يك زبان، سرزمین خاص زبانی (نیاخاک‌ی) شمرده می‌شوند تحت پوشش قرار دهد.

ماده ۱۸

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که قوانین و دیگر ملاحظات قانونی که به نحوی به آنها مربوط می‌شود، به زبان خاص سرزمینی‌شان (زبان نیاخاکشان) تهیه و منتشر شوند.
 ۲- مقامات دولتی که در حوزه حاکمیت خود، دارای بیش از يك زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاک‌ی) تاریخی هستند، می‌بایست همه قوانین و مقررات دیگر قانونی و حقوقی دارای ماهیت عمومی را، به تك تك این زبانها تهیه و منتشر سازند. فارغ از اینکه متکلمین به هر کدام از این زبانها قادر به فهم زبانهای دیگر باشند و یا نه.

ماده ۱۹

۱- زبان رسمی همه مجالس نمایندگی، می‌بایست زبان(های) به طور تاریخی رایج در سرزمین‌هایی که نمایندگان، نمایندگی آن را بر عهده دارند باشد.

۲

۲- این حق همچنین شامل زبانهای جمعیت‌های زبانی سکنی‌گزیده در مناطق جغرافی پراکنده که به آنها در بند ۱ پاراگراف چهار اشاره گردید نیز می‌شود.

ماده ۲۰

۱- هرکس حق دارد زبانی را که به طور تاریخی در يك سرزمین به آن تکلم می‌شود - هم به شکل شفاهی و هم به شکل نوشتاری- در محاکم و دادگاههای قضائی واقع در آن سرزمین بکار برد. محاکم قضائی باید در امورات داخلی خود، زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاک‌ی) را بکار برند و اگر بنا به سیستم حقوقی فعلا موجود در کشور، ضرورتی به ادامه جریان محاکمات در محلی دیگر موجود باشد، می‌باید به کاربرد زبان اصلی در محل جدید همچنان ادامه داده شود.

۲- هر کس حق دارد که در تمام موارد، به زبانی که آنرا درک می‌کند و قادر به تکلم به آن است محاکمه شود، همچنین حق دارد که از خدمت مترجمی مجانی بهره مند گردد.

ماده ۲۱

همه جمعیت‌های زبانی حق ثبت و بایگانی مدارک و اسناد به زبان سرزمینی خود (زبان نیاخاک‌ی) توسط محضرهای عمومی را دارا می‌باشند.

ماده ۲۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که مدارک تائید شده آنها توسط ثبت اسناد، محضرهای عمومی و یا دیگر ماموران صلاحیتدار دولتی، به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاک‌ی) محل خدمت ماموران دولتی و یا محضرهای عمومی تهیه و تنظیم شوند.

بخش دوم: تحصیل

ماده ۲۳

۱- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که در آن عرضه می‌گردد، به تشویق افاده فرهنگی خود از سوی جمعیت زبانی، کمک نماید.

۲- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که عرضه می‌شود، به حفظ و توسعه زبانی که يك جمعیت زبانی به آن سخن می‌گوید یاری رساند.

۳- آموزش و تحصیل همواره می‌بایست در خدمت تکثر و تنوع زبانی و فرهنگی و روابط آهنگدار بین جمعیت‌های زبانی گوناگون در سراسر جهان باشد.

۴- در بستر اصول پیش گفته، هر کس حق دارد که هر زبانی را بیاموزد.

ماده ۲۴

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند در باره گستره حضور زبانشان، به عنوان زبان رابط و به عنوان زبان مورد مطالعه، در تمام سطوح تحصیلی در سرزمین خود (پیش دبستانی، ابتدائی، متوسطه، حرفه ای و فنی، دانشگاهی و آموزش بزرگسالان) تصمیم بگیرند.

ماده ۲۵

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی و کاربرد همه منابع انسانی و مادی لازم برای تضمین نمودن حضور زبانشان در همه سطوح تحصیلی در نیاخاک خود، از قبیل آموزگاران ورزیده، روشهای آموزشی مناسب، کتب و متون درسی، منابع مالی، تجهیزات و ساختمانها، تکنولوژی های سنتی و مدرن و

ادامه در ص ۷

در وسعتی که خواهان آنند برخوردار می‌باشند.

ماده ۲۶

همه جمعیت‌های زبانی محق اند از تحصیلی که اعضای آن جامعه را قادر به تسلط کامل در کاربرد زبانشان سازد، شامل توانایی‌های مختلف مربوط به همه محیط‌های روزمره کاربرد زبان، همچنین گسترده‌ترین تسلط ممکنه به هر زبان دیگری که خواهان یادگیری آن باشند، برخوردار شوند.

ماده ۲۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را قادر به کسب دانش هر زبانی که مربوط به سنن فرهنگی‌شان بوده باشد برخوردار شوند. مانند زبانهای ادبی و یا زبانهای مقدس که سابقاً زبانهای معمول آن جمعیت بوده اند.

ماده ۲۸

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را به دستیابی به آگاهی همه جانبه در باره میراث فرهنگی خود (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نموده‌های فرهنگی‌شان) قادر سازد برخوردار شوند. همچنین محق اند که از گسترده‌ترین آگاهی ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که خواهان دانستن آن باشند بهره مند شوند.

ماده ۲۹

۱- هر کس محق است که از تحصیل و آموزش به زبان خاص سرزمین خود که در آنجا ساکن است (زبان نیاخاکی) برخوردار گردد.

۲- این حق، حق کسب دانش گفتاری و نوشتاری زبانی دیگر را که شخص ممکن است به عنوان ابزار ارتباط با دیگر جمعیت‌های زبانی بکار برد، نفی و سلب نمی‌کند.

ماده ۳۰

زبان و فرهنگ همه جمعیت‌های زبانی می‌بایست که موضوع مطالعه و تحقیقات علمی در سطح دانشگاهی قرار گیرند.

بخش سوم: نامهای شخصی

ماده ۳۱

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم نامهای شخصی خویش را در همه محیطها و در همه مناسبتها حفظ نموده و آنها را بکار برند.

ماده ۳۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای محل و مکان به زبان خاص سرزمینی خود را (زبان نیاخاکی)، هم به صورت شفاهی و هم به صورت کتبی، در محیطهای خصوصی، عمومی و رسمی بکار برند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای بومی محلها و مکانها را تثبیت و حفظ نموده، در آنها اصلاحاتی اعمال نمایند. همچو نامهای امکانه را نمی‌توان به طور کیفی موقوف و منسوخ نمود و یا تحریف و جرح و تعدیل کرد. همچنین نمی‌توان اینگونه نامها را پس از تغییرات سیاسی و یا هر گونه دگرگونی حادثه دیگر، تغییر داد.

ماده ۳۳

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که جمعیت خود را به همان نامی که در زبان خودشان بکار می‌برند بنامند. هرگونه ترجمه به زبانهای دیگر می‌بایست از نامگذاریهای تحقیر آمیز و ابهام انگیز اجتناب نماید.

بند ۳۴

هر کس حق دارد که نام خود را در همه محیطها به زبان خویش بکار برد. و همچنین حق دارد که نامش، اگر لزومی به بکاربردن سیستم نوشتاری متفاوت با زبان وی وجود داشته باشد، با لحاظ دقیقترین آوانگاری ممکن ثبت گردد.

بخش چهارم: رسانه های ارتباطی و تکنولوژیهای جدید

ماده ۳۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که در باره درجه حضور زبانشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود (نیاخاک خود)، بدون در نظر گرفتن متمدن پخش و یا انتقال تولیدات آنها تصمیم بگیرند. چه این رسانه ها محلی و یا سنتی، چه رسانه های دارای شمول گسترده تر و چه رسانه هایی که از تکنولوژیهای پیشرفته تر استفاده می‌کنند باشند.

ماده ۳۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که به همه منابع مادی و انسانی لازم برای تضمین نمودن درجه مطلوبی از حضور زبان خویش و درجه مطلوبی از افاده فرهنگی خودشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود؛ و از پرسنل ورزیده، منابع مالی، ساختمانها و تجهیزات، تکنولوژیهای سنتی و مدرن دسترسی داشته باشند.

ماده ۳۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از طریق رسانه های ارتباطی آگاهی کاملی در باره میراث فرهنگی خویش (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نموده های فرهنگ شان)، همچنین حداکثر اطلاعات ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که اعضای آن جمعیت، خواستار دانستن آن باشند را دریافت نمایند.

ماده ۳۸

زبانها و فرهنگهای همه جمعیت‌های زبانی در سراسر جهان، می‌بایست در رسانه های ارتباطی از معامله و برخوردی برابر و غیر تبعیض آمیز بهره مند شوند.

ماده ۳۹

جمعیت‌های توصیف شده در ماده ۱، پاراگراف ۳ و ۴ این اعلامیه و گروههای ذکر شده در پاراگراف ۵ همان ماده، از حق برابر تمثیل زبانشان در رسانه های ارتباطی سرزمینی که در آن ساکنند و یا به آنجا مهاجرت می‌نمایند برخوردارند. این حق باید در هماهنگی با حقوق دیگر گروهها و جمعیت‌های زبانی ساکن در آن سرزمین اعمال گردد.

ماده ۴۰

در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی، همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که به تجهیزات تطبیق داده شده با سیستم زبانی‌شان و به ابزارآلات و محصولات تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته باشند. به نحوی که بتوانند از همه امکانات و پتانسیلهای ممکنه توسط چنین تکنولوژیهایی برای افاده خود، برای تحصیل، در ارتباطات، انتشارات، ترجمه و پروسسینگ اطلاعاتی و پخش و کلا تبلیغ فرهنگشان حداکثر بهره برداری را بنمایند.

بخش پنجم: فرهنگ

ماده ۴۱

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبان خویش را در همه فرمهای افاده فرهنگی بکار برده، آنرا حفظ نموده و توسعه دهند.

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبانشان از جایگاهی ممتاز در تبلیغات، آگهی‌ها، تابلوها، علائم و نشانگاهای بیرونی و به عنوان یک کل در چهره کشور برخوردار باشد.

۲- در داخل سرزمین جمعیت زبانی، هر کس حق دارد به اطلاعات تمام و کامل شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خود در باره کالاها و خدمات عرضه شده توسط موسسات بازرگانی، از جمله به نحوه استفاده، ایتکتها، لیست های مواد سازنده، تبلیغات و آگهی‌ها، ضمانت نامه ها و غیره دستیابی داشته باشد.

۳- همه علائم و نشانه های عمومی که تاثیر گذار بر سلامتی اشخاصند، به قید آن که پستتر از نشانه های مربوط به زبانهای دیگر نباشند، می‌بایست که اقلا به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) تهیه شوند.

ماده ۵۱

۱- همه کس حق دارد زبان خاص سرزمین خود را در ارتباط با شرکتها و موسسات بازرگانی و نهادهای خصوصی بکار برد و به همان زبان پاسخ و یا خدمت دریافت دارد.

۲- هر کس حق دارد به عنوان یک مشتری، مصرف کننده، خریدار و یا استفاده کننده، از موسسات عمومی، اطلاعات شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خاص سرزمین خود را (زبان نیاخاکی) دریافت دارند.

ماده ۵۲

هر کس حق دارد تمام فعالیت‌های حرفه ای خویش را به زبان خاص سرزمین خود (زبان نیاخاکی) به انجام رساند. مگر آنکه طبیعت شغش کاربرد زبانهای دیگری را الزامی سازد، مانند معلمین زبانهای خارجی، مترجمین و یا راهنمایان توریستی.

ملاحظات اضافی

نخست‌مقامات دولتی می‌باید تمام گامهای لازم برای تحقق و جاری شدن حقوق مندرجه در این اعلامیه را در محدوده حوزه صلاحیتهای خویش بردارند. به طور مشخص تر، برای تشویق نمودن تحقق حقوق زبانی جمعیت‌هایی که آشکارا از جنبه منابع مالی در مضیقه می‌باشند، می‌بایست منابع مالی بین المللی تدارک دیده شوند. بنابراین، مقامات دولتی می‌بایست حمایت لازمه برای استانداردیزه شدن، ترجمه، آموخته شدن و استفاده از زبانهای جمعیت‌های گوناگون تحت اداره خود را فراهم نمایند.

دوم

مقامات عمومی می‌بایست مطلع شدن نهادهای رسمی، سازمانها و اشخاص مرتبط را با حقوق و وظائف مربوطه ناشی از این اعلامیه، تضمین و تامین نمایند.

سوم

مقامات عمومی می‌بایست در پرتو سیستم قانونگذاری موجود، مجازات‌هایی قابل اجراء برای هرگونه اخلاص در حقوق زبانی تشریح شده در این بیانیه برپا دارند.

ملاحظات نهایی

نخست

این اعلامیه بنیانگذاری "شورای زبانها" در بنیه سازمان ملل متحد را توصیه می‌نماید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد عهده دار برپاساختن چنین شورائی، تعریف وظائف آن و انتساب اعضای شورا؛ و همچنین عهده دار ایجاد نهادی در قوانین بین المللی برای حفاظت از جمعیت‌های زبانی در دستیابی و اعمال حقوق خویش که در این اعلامیه شناخته شده اند خواهد بود.

دوم

این اعلامیه تشکیل "کمیسیون جهانی حقوق زبانی" را، نهادی غیر رسمی و مشاوره ای مرکب از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی و دیگر تشکیلات فعال در زمینه قوانین زبانی، توصیه و تشویق می‌نماید.

بارسلون، ژوئن، ۱۹۹۶

۲- همه جمعیت‌های زبانی می‌بایست بتوانند حق مذکور را تمام و کمال اعمال نمایند، بی آنکه محیط آن جمعیت به اشغال سلطه گرایانه فرهنگی بیگانه معروض شود.

ماده ۴۲

همه جمعیت‌های زبانی از حق رشد و توسعه تمام و کامل در داخل محیط فرهنگی خود برخوردارند.

ماده ۴۳

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به آثار آفریده شده به زبان خود برخوردار می‌باشند.

ماده ۴۴

همه جمعیت‌های زبانی محق اند که به برنامه های بین فرهنگها، از طریق بخش اطلاعات کافی دسترسی داشته باشند. همچنین حق دارند که از فعالیت‌هایی مانند آموزش زبانشان به خارجیان، ترجمه، دوبلاژ، پست سنکرونیزاسیون و زیرنویسی حمایت نمایند.

ماده ۴۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که زبان خاص سرزمینی‌شان (زبان نیاخاکی‌شان) جایگاه ممتازی را در رویدادها و خدمات فرهنگی (کتابخانه ها، کلوبهای ویدئویی، سینماها، تئاترها، موزه ها، آرشیوها، فرهنگ عامه، صنایع فرهنگی و در همه دیگر نموده‌های حیات فرهنگی) اشغال نماید.

ماده ۴۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که میراث زبانی و فرهنگی خویش را، شامل نموده‌های مادی آن مانند مجموعه های اسناد، آثار هنری و معماری، ابنیه تاریخی و متون نوشته شده به زبان خود را محافظه نمایند.

بخش ششم: محیط اجتماعی-اقتصادی

ماده ۴۷

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که کاربرد زبان خویش در همه فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی در سرزمینهای خود را نهادینه نمایند.

۲- همه اعضای جمعیت‌های زبانی محق اند که برای اجرای فعالیت‌های حرفه ای خود، به همه وسائط ضروری تهیه شده به زبانشان، مانند اسناد و کارهای مرجع، دستورالعملها، فرمها و تجهیزات کامپیوتری، ابزارآلات و تولیدات دسترسی داشته باشند.

۳- استفاده از زبانهای دیگر در این محیط، تنها در صورتی می‌تواند مورد احتیاج باشد که طبیعت فعالیت حرفه ای نیاز به آنرا موجه سازد. به همه حال در هیچ شرایطی زبان تازه واردتر، نمیتواند موقعیت زبان نیاخاکی را تنزل داده و یا جانشین استفاده از آن گردد.

ماده ۴۸

۱- در درون سرزمین جمعیت زبانی خویش، هر کس حق دارد که زبان خود را با اعتبار قانونی کامل در همه معاملات اقتصادی از هر جنس، مانند خرید و فروش کالاها و خدمات، بانکداری، بیمه، قراردادهای شغلی و غیره بکار برد.

۲- هیچ ماده ی از اینگونه مقررات و عقدهای خصوصی، نمیتواند کاربرد زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را محدود و یا ممنوع سازد.

۳- در داخل سرزمین یک جمعیت زبانی، هر کس محق شمرده می‌شود که به همه اسناد لازم برای انجام عملیات فوق الذکر، تهیه شده به زبان خویش دسترسی داشته باشد. اینچنین اسنادی شامل فرمها، چکها، قراردادهای، رسیدها، صورت حسابها، سفارشنامه ها، دریافت نامه ها و غیره می‌شود.

ماده ۴۹

در داخل سرزمین هر جمعیت زبانی، هر شخص حق دارد که زبان خویش را در انواع سازمانهای اجتماعی-اقتصادی مانند تشکیلات اتحادیه ای و سندیکاهای کارگری، انجمنهای حرفه ای، کارفرمایان، اصناف و بازرگانی بکار برد.

ماده ۵۰

فدرالیسم

گزینه مناسب در مقابل نا برابری های ملی

بیشتری بدان می بخشد. روندی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان اتفاق افتاده است. اتفاقا نا دیده گرفتن حقوق بخش بزرگی از ساکنین کشور و نا لاینحل ماندن آن که سالها به خاطر آن مبارزه کرده اند، می تواند در ادامه خود منجر به خطر افتادن تمامیت ارضی کشور شود. امری که مسئولیت آن مستقیما به گردن دست اندرکاران رژیم حاکم است. طبیعی است که فرقه دمکرات آذربایجان با توجه به تمام جوانب امر حل مسئله ملی را در چهارچوب ایران و در یک جامعه فدرال می بیند. و هر گونه شعار افراطی راست و چپ را غیر عملی و در تضاد با منافع خلق های ساکن کشور می داند.

در همین رابطه ما نه تنها هیچ مخالفتی با برگزاری سمینارهای علمی پژوهشگران و علاقمندان به مسائل ملی - قومی نداریم، بلکه مورد استقبال ما نیز قرار خواهد گرفت. منوط بر اینکه در چهارچوب واقعیت های عینی جامعه و هماهنگ با مبارزات مردم باشد. بویژه با پیچیدگی اوضاع سیاسی جهان، بخصوص در منطقه ای که ما در آن زندگی می کنیم تشکیل این نشست ها می تواند به پیدا کردن راه حل های علمی و منطقی برای برون رفت از وضعیت نا هنجار کنونی باشد. بخصوص اینکه پس از یک قطبی شدن جهان، معادله های دیگری بر روند مبارزات مردم وارد شده است. غرب سرمایه داری در پی تسلط مطلق در جهان، بویژه در منطقه خاورمیانه، از آن جمله بر ایران است.

اتفاقا یکی از حربه هایی که غرب از آن به سود منافع دراز مدتش استفاده می کند، مقابله با تضعیف حقوق خلق ها توسط حکومت های مرکز گرا و مستبد است. از این رو سازمان های سیاسی ملی و مترقی برای رسیدن خلق های کشور به خواسته هایشان و جلوگیری از ناهنجاری های احتمالی آینده حکومت فدراتیو را بهترین گزینه اداره سیاسی کشور می دانند.

اصطلاح فدرالیسم برای توصیف یک سیستم حکومتی به کار می رود که در آن حق حاکمیت، مطابق قانون اساسی بین یک قدرت حکومت مرکزی و واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن (مانند ایالت ها یا استان ها) تقسیم شده است. فدرالیسم، نظامی بر مبنای قواعد دموکراسی و نهادها و سازمان هایی است که در آن ها قدرت اداره کشور، بین حکومت های ملی و ایالتی یا استانی تقسیم شده است. ایده فدرالیسم، بی آنکه راه حل قطعی برای همه مشکلات سیاسی و اقتصادی و همه بیماری های اجتماعی باشد، تلاشی است برای حل صلح آمیز نا برابری های ملی در درون کشور و نزدیک کردن خلق ها به همدیگر در یافتن راه حل های مناسب در تغییر ساختار سیاسی حکومتی، تعدیل نابرابری های اقتصادی در بین ملیتها و ارائه پاسخی دموکراتیک بر آنها یکی دیگر از اهداف فدرالیسم است، بی آنکه شیرازه امور کشور از هم گسسته و یا از هم بپاشد.

اینکه حاکمان جمهوری اسلامی گوش شنوایی برای شنیدن به این واقعیت دارند یا خیر. امری است که به آینده مربوط می شود. اما آنچه که روشن است، نیروهای بیشتری از جمله در درون نظام حاکم به این حقیقت پی برده اند.

سیستم های سیاسی حاکم در هر کشوری، در لحظه ای معین از زمان، خواه نا خواه بازتاب محیط تاریخی و فعلیتی است که در آن به سر می برند. بدون توجه به در نظر گرفتن داده های تاریخی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ...) یک ملت و یا قوم به لحاظ مصالح و منافع (بخصوص خواست اکثریت) نمی توان اجماعی را تشکیل داد تا روند مبارزه خلق ها را اراده گرانه تند ویا کند، کند. تجربه تاریخی جنبش های اجتماعی ایران و جهان سرشار از فاکت هایی است که نشان میدهد، اگر شعار و رهنمود عملی منطبق با شرایط عینی و ذهنی جامعه مفروض تنظیم نشود، چه بسا به ضد خود تبدیل می گردد. بدین ترتیب دشمنان و مخالفین حقوق خلقها فرصت طلبانه تلاش می کنند با دستاویز قرار دادن آن، اذهان عمومی را به ضد آن برانگیزند. و در بهترین حالت باعث به هدر رفتن نیروی توده ها، اختلاف بین فعالین و نهایتا سرخوردگی جامعه را در پی خواهد داشت.

در دهم فروردین ماه 1392 کنفراسی در باکو پایتخت آذربایجان با شرکت تعدادی از کارشناسان، دانشگاهیان و سیاسیون سابق محلی و گروهی از فعالین مسائل قومی به مدت چهار ساعت در یکی از هتل های این شهر بر گزار شد. به گفته برگزار کنندگان کنفرانس هدف از تشکیل چنین اجلاسی شناخت بیشتر از جامعه آذربایجان ایران و بررسی چالش ها و تنگنا های اقتصادی و سیاسی و راه های برون رفت از آن بود. دولت جمهوری اسلامی رسما به تشکیل این اجلاس به دولت آذربایجان اعتراض کرد.

بدنبال آن نشریات نزدیک به رژیم حاکم بر ایران، سمفونی از اعتراض و شعارهای مداخله گرانه و اختلاف بر انگیز را سر دادند. چنین به نظر می آمد که این کنفرانس موهبتی آسمانی برای کسانی بود که به جای پاسخ دادن به خواسته های انباشته شده مردم، و از آن جمله به خواسته های به حق خلق های ساکن کشور، ساز را از سر دیگرش به صدا در آوردند و تلاش کردند تا بحران همه جانبه کشور را به خارج از مرزها عودت دهند. و با شعار وای مصیبتا که چرا نشسته اید، تمامیت ارضی کشور به خطر افتاده است. مردم را از دشمن مو هووم بترسانند.

اینکه در این کنفرانس چند ساعته و کنفرانس هایی از این دست، چه افرادی شرکت دارند و چه اهدافی را دنبال می کنند. و آیا اهداف آنان با منافع و خواست مردم آذربایجان ایران همخوانی و مطابقت دارد یا نه. می توان در جای خود مورد نقد و بررسی قرار گیرد. اما اینکه رژیم حاکم بر ایران حقوق مسلم خلق های غیر فارس زبان را آشکارا زیر پا می گذارد و حتی اصل 15 قانون اساسی که حد اقل بخشی از حقوق خلق های ساکن ایران در آن برسمیت شناخته شده است را، نا دیده می گیرد. امری است که براحتی نمی توان از کنار آن گذشت. گنجاندن این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی نتیجه مبارزات پی گیر اقوام ایرانی، بخصوص مبارزات و جانفشانی خلق غیور آذربایجانی در دهه های اخیر است. تمکین به خواست ساکنان کشور نه تنها هیچ تضاد و منافاتی با تمامیت ارضی و یک پارچگی کشور ندارد بلکه استحکام

سیاست یک زبان، یک ملت و یک پرچم

در ترکیه به شکست انجامید!

جنبش رهایی بخش کردها در ترکیه با وادار ساختن دولت اردوغان به عقب نشینی و آغاز مذاکرات مستقیم با حزب کارگران کردستان و رهبر زندانی آن، و با پیام نوروزی عبدالله اوجلان وارد مرحله جدیدی گردید. دولت ترکیه در سالهای گذشته تلاش مستمری برای یافتن مخاطب دیگری غیر از حزب کارگران کردستان، اوجلان و حتی حزب قانونی "آشتی و دمکراسی" انجام داد. اردوغان بارها اعلام داشته بود که هیچوقت به اصطلاح با تروریستها و کسانی که از آنها حمایت می کنند پشت میز مذاکره نخواهد نشست. اما جنبش نیرومند کردهای ترکیه به رهبری حزب کارگران کردستان که از سازماندهی، پتانسیل و نیروی عظیمی بر خوردار است عملاً این امکان را به دولت ترکیه نداد و خود ابتکار عمل را بدست گرفت.

کردها در ترکیه همچون دیگر بخش های کردستان، بیش از دو سده است که برای حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه می کنند. در گذشته جنبش های نیرومند کردها در ترکیه، از جمله جنبش شیخ عبیدالله در سال ۱۸۸۰، قیام شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، قیام آگری یا آارات در ۱۹۲۷، قیام درسیم در سال ۱۹۳۱ ... از طرف ارتجاع داخلی و همکاریهای تعیین کننده امپریالیسم انگلیس و دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه در خون خفه گردید.

اگر به تاریخچه مختصر جنبش کنونی مراجعه کنیم، باید گفت، که در پایان دسامبر ۱۹۷۸ دولت ترکیه در ۱۳ استان کشور به مدت ۲ ماه حالت فوق العاده اعلام کرد. حالت فوق العاده غیر از استانبول و آنکارا، تنها آن مناطقی را در بر می گرفت که اکثریت ساکنین آن کرد بودند. بنا به گفته نخست وزیر بلنت اجویت ترورو حملات مسلحانه در برخی نواحی تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور را تهدید می کند.

در مارس ۱۹۷۹ بر اساس بخشنامه فرمانداری نظامی بسیاری از نشریات چپ و نشریات به زبان کردی ممنوع گردیدند. در نیمه اول آوریل ۱۹۷۹ رئیس ستاد ارتش ترکیه وارد عراق شد و مذاکراتی در مورد هماهنگی عملیات مشترک در جهت سرکوب جنبش کردها انجام داد.

۲۶ آوریل ۱۹۷۹ دولت ترکیه در ۶ استان کرد نشین دیگر - آدایمان، دیار بکر، حکاری، ماردین، سیرت و تونجه حالت فوق العاده اعلام کرد. رژیم ارتجاعی در مناطق شرقی و جنوب شرقی ترکیه تحت عنوان «مبارزه با تجزیه طلبی» تحریکاتی را به منظور ایجاد درگیری میان جمعیت ترک و کردهای علوی دامن زد. ماموران سازمان آمریکا «سیا» که در ترکیه عضو ناتو زیر پوشش کارکنان سفارت آمریکا فعالیت می کردند با همین هدف وارد منطقه شدند. امپریالیسم آمریکا، ارتجاع ترکیه را تشویق کرد، که در نواحی مرزی با ایران و عراق و سوریه وضعیت فوق العاده اعلام کند. این امر دخالتهای خرابکارانه امپریالیسم را در امور داخلی کشورهای منطقه تسهیل می کرد و ترکیه را به ابزار اجرایی آن تبدیل می کرد.

اما با وجود تمام موانع، جنبش ملی - دمکراتیک کردستان ترکیه در پایان دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ ابعاد گسترده ای یافت. بر این زمینه و این ایام حزب کارگران کردستان شکل گرفت

و موجودیت خود را اعلام کرد. این سازمان سیاسی در سال ۱۹۸۲ به دلیل خفقان شدید و عدم امکان مبارزه علنی، به مبارزه مخفی و مسلحانه روی آورد. و می توان گفت که از همین لحظه رهبری جنبش ملی - دمکراتیک کردهای ترکیه در تسلط این سازمان قرار گرفت. در سال ۱۹۹۹ با دستگیری اوجلان و تحویل دادن او به ترکیه مرحله جدیدی آغاز شد. دولت بلنت اجویت گمان می برد که با دستگیری اوجلان می تواند اراده این جنبش را به زانو در آورد. اما بزودی روشن شد که نتیجه کاملاً چیز دیگری است. اگر تا قبل از این حادثه بخش بزرگی از کردهای ترکیه این مبارزه را جنگ بین دولت و حزب کارگران کردستان می دانستند، پس از این حادثه، این جنگ در مقیاس کامل به جنگ دولت و مردم کرد تبدیل شد. و می توان گفت که از همین لحظه شکل مسلحانه مبارزه به هدف اصلی خود، یعنی کشتادن توده های وسیع مردم به میدان مبارزه رسیده بود. ادامه مبارزه مسلحانه از طرف رژیم ترکیه تحمیل گردید و در این روند ثابت شد که با دستگیری اوجلان نه تنها چیزی تغییر نکرده، بلکه همین حادثه باعث شد که این جنبش هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین المللی نیرومند تر جلوه کند، تا جاییکه بالاخره در نوروز ۲۰۱۳ به بار نشست و می رود که بنیاد ترکیه معاصر به مثابه دولت و ایدئولوژی بوجود آورنده «انقلاب ملی» در سالهای ۱۹۲۳ - ۱۹۱۹ یعنی ناسیونالیسم کمالیستی را، که کماکان به عنوان ایدئولوژی رسمی دولت باقی است، در هم شکند.

از هم اکنون اوضاع در جامعه ترکیه بشدت در حال تغییر است. دولت گامهای جدی را با توافق با رهبری سیاسی، جنبش کردستان بر داشته است. شورای ریش سفیدان که قرار است گامهای اساسی را در این راستا بردارد، سریع تشکیل گردید و هم اکنون در شهرهای کرد نشین با مردم و مقامات این خطه در حال تبادل نظر هستند. شورای اروپا رسماً حزب کارگران کردستان را از لیست «تروریست» برداشت. مذاکرات بطور فشرده برای تغییر قانون اساسی در قنديل، امیرالی و اربیل در جریان است.

البته پر واضع است که با توجه به تحولات در منطقه و در خود ترکیه این تغییرات اجتناب ناپذیر است. با مراجعه به تاریخچه جنبش های کرد در تمامی بخش های کردستان به وضوح می توان دید که دلیل اصلی ناکامی آنها نا مساعد بودن شرایط خارجی بوده است. اما اکنون این وضعیت به نفع جنبش کردها تغییر کرده است. وضعیت کردستان عراق، وضعیت سوریه و بخش کرد نشین آن، و استراتژی کشورهای قدرتمند جهانی در منطقه، در این سرانجام بی تاثیر نبوده است. البته نماینده ناسیونالیستهای ترک یعنی حزب حرکت ملی این شکست را نپذیرفته و مراسم نوروز دیاربکر را سرآغاز تجزیه ترکیه می داند و در صدد است با این روند مبارزه کند. ولی آنچه کاملاً واضح است، این است که پروسه آغاز شده، شاید با پیچ و خم های بسیار و متعدد، ولی نهایتاً به پایان مطلوب که در بر گیرنده منافع دو ملت برادر کرد و ترک خواهد بود، می انجامد

نود سال زندگی پر افتخار

مردم جمهوری آذربایجان نودمین سالگرد حیدر علی یف را بر گزار می کنند. توجه مردم نسبت به شخصیت علی یف با کار فعالیت خسته گی ناپذیر ایشان برای ساختمان جامعه رشد یافته در جمهوری آذربایجان ارتباط مستقیم دارد. حیدر علی یف شخصیتی بود بر خواسته از میان مردم و بنابراین تمام زندگی سیاسی خود را برای رشد جمهوری آذربایجان و بهبود زندگی مردم آذربایجان وقف نمود. در سالهای زندگی سیاسی او بود که آذربایجان از هر لحاظ، اقتصادی و فرهنگی رو به ترقی گذاشت و در میان جمهوریهای سابق اتحاد شوروی جای ویژه به خود گرفت. حیدر علی یف بعد از استقلال جمهوری آذربایجان نیز در رأس آن قرار گرفت.

آذربایجان مستقل را به یک کشوری پیشرو مبدل ساخت. اکنون که مردم آذربایجان در حالی نودمین سال تولد حیدر علی یف را بر گزار می کنند که کشورشان در میان جمهوریهای سابق شوروی نام و نشان پر افتخاری دارد. آذربایجان نه تنها در قفقاز بلکه در میان کشورهای جهان جا و مقام ویژه یافته است. با همه کشورها به استثنای ارمنستان تجاوزگر روابط دیپلماتیک دارد

جایگاه بین المللی آذربایجان هر روز محکم تر می گردد و این نیز به این سبب است که دولت آذربایجان در سیاست خارجی خود راه همکاری با همه کشورها را در پیش گرفته است. این همکاری امکان میدهد که آذربایجان بیش از پیش نفوذ خود را در جهان بالا ببرد و اعتبار بیشتری کسب کند.

مردم جمهوری آذربایجان در نتیجه دست یابی به استقلال، خود سرنوشت سیاسی و اداری کشور را در دست گرفتند. شخصیت شاخص حیدر علی یف هیچگاه از اذهان مردم جمهوری آذربایجان از یاد نخواهد رفت.

زلزله شدیدی استان...

همچنین گزارش ها حاکی از ادامه پس لرزه های نسبتا شدید در محدوده شهرها و بخشهای کاکلی، خورموج و بوشکان در استان بوشهر است. یکی از پایگاه خبری محلی (سوک) نیز خبر داده که خطوط مخابراتی شهرهای خورموج، کاکلی و شنبه با اختلال مواجه شده است به گونه ای که اینترنت در این شهرها قطع و تماس با تلفن همراه به سختی امکان پذیر است. این منبع همچنین خبر داده که گرد و خاک ناشی از زلزله بعد از چند ساعت هنوز در منطقه قابل مشاهده بوده و کوه های اطراف به خصوص کوه بیرمی در تنگستان که به دلیل زمین لرزه بخش هایی از آن دچار ریزش شده است و هاله ای از گرد و غبار مناطق پرامونی این کوه را فرا گرفته است.

این سایت از مرگ شش عضو یک خانواده هشت نفری در شهر شنبه نیز خبر داده که در میان حزن و اندوه مردم از زیر آوار بیرون آورده شده اند.

به گفته استاندار بوشهر، تعداد ۷۰۰ منزل مسکونی ۱۰۰ درصد و تعدادی از ۳۰ تا ۴۰ درصد تخریب شده اند.

اخبار مقدماتی از این حادثه نا گوار به هیچ وجه گویای واقعیت تلخی که رخ داده است نیست. مسئولین ذیربط کشوری و استانی چنین وا نمود کرده اند که همه چیز در کنترل و اقدامات مناسب را برای آسیب دیدگان زلزله انجام داده اند. اما تجربه زلزله سال گذشته آذربایجان شرقی نشان میدهد که چنین شعارهایی هیچ انطباقی با عملکرد مسئولین ندارد. مسئله دیگری که باعث تاسف فراوان است، هنوز زلزله هایی به مقیاس 6 ریشتر می تواند به ویرانی و کشتار مردم در نقاط گوناگون کشور شود. چیزی که در بسیاری از نقاط جهان به مقیاس بالاتر از آن قابل کنترل می باشد. اما مسئولین جمهوری اسلامی به هیچوجه پاسخگوی حوادث ناگواری که میتواند رخ ندهد، نیستند و با ابراز تاسف و همدردی و اعلام چند روز عزاداری از مسئولیت شانه خالی می کنند.

فرقه دمکرات آذربایجان ضمن همدردی با داغ دیدگان این حادثه ناگوار انتظار دارد تا هموطنان سراسر کشور مانند همیشه به کمک آسیب دیدگان زلزله بشتابند. همیاری و همگامی شما عزیزان می تواند از آلام و مصیبت سنگینی که به آسیب زدگان زلزله وارد آمده است، بکاهد.

فرقه دمکرات آذربایجان - 21 فروردین 92

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری

حفاظت از طبیعت دوست داشتنی کشورمان وظیفه مقدس انسانی و ملی است پرفسور بهروز شکوری

راههای تولید پر توزای مصنوعی، راه یابی آنها به

محیط زیست، پی آمدهای تخریبی آنها

بررسی اثرات فوتوالکتریک با نشان دادن این که تابش الکترو مغناطیس در بر هم کنش خود با ماده رفتاری دارد که گویی از ذراتی به نام فوتون تشکیل شده است. مقدمات دستیابی بشر به انرژی اتمی فراهم نمودند. با کشف پدیده ی مهم شکافت هسته ای (Fission) در سال ۱۹۳۲ میلادی دستیابی به نیروی اتم به طور کامل شکل گرفت. در اینجا باید اهمیت کشف نوترون توسط چاودیک در سال ۱۹۳۲ را در دسترس به نیروی اتم گوشزد نمود. برای اولین بار در تاریخ پژوهش های اتمی با بمباران اورانیوم توسط نوترون انرژی فوق العاده ای در حدود ۲۰۰ میلیون الکترون ولت آزاد گردید و این همان حادثه ای بود که دانشمندان پژوهش های اتمی، محققین فیزیک نوین با بی صبری در انتظارش بودند. بررسی راه های وجود آمدن مواد پرتوزای مصنوعی - استرونیوم ۹۰ و سزیوم - ۱۳۷ و راه یابی به محیط زیست نشان می دهد که هنگام تقسیم هسته های سنگین مخلوطی از محصولات پیچیده این تقسیم به عمل می آید که در ترکیبشان ایزوتوپهای زیادی موجود می باشند. این ایزوتوپها دارای دوره پرتوزایی و خصوصیات پرتوافشانی مختلف می باشند. هنگام تقسیم هسته های سنگین قسمتی از ایزوتوپهای در ثانیه ها و دقایق اول تولیدشان در محیط پراکنده می شوند. قسمت دیگر این ایزوتوپها در ساعتهای اول، شبانه روز و حتی ده ها سال شروع به پرتوافشانی می نمایند. در بین مواد پرتوزا استرونیوم - ۹۰ (s 90) و سزیوم - ۱۳۷ (Cs 137) از خطرناک ترین مواد پرتوزا بوده و در اسرع وقت به چرخش بیولوژیکی وارد گردیده و شروع به پرتوافشانی شدید می نمایند.

استرونیوم - ۹۰ در حین تقسیم هسته سنگین اورانیوم - ۲۳۵، پلوتونیوم - ۲۳۹ و غیره به عمل می آید. در این پروسه تقسیم مقدار استرونیومی که به عمل می آید $5/8 - 5/4$ درصد می باشد. هنگام انفجارات اتمی و هسته ای (این انفجارات بر اثر تقسیم اورانیوم - ۲۳۵ به عمل می آید) که قدرت انفجارشان با قدرت انفجار یک هزار تن تری نیترو و تولوول برابر می باشد، $1/14$ گرم استرونیوم - ۹۰ تولید می شود که برابر با $10 \times 5/4$ بیکوکوری می باشد. در اکثر موارد استرونیوم - ۹۰ حاصله از انفجارات در حدود $10 \times 3/7$ بیکوکوری در هزار تن تری نیتروتولوول می باشد. استرونیوم - ۹۰ عبارت است از ایزوتوب بتا که دوره پر تو افشانی آن ۲۸ سال می باشد. هنگام خرد شدن استرونیوم - ۹۰ ماده رادیو اکتیو ایتزید - ۹۰ را تولید می کند که در مدت ۶۵ ساعت قادر به پرتوافشانی است. ایتزید - ۹۰ هم ایزوتوب ادامه در ص ۱۴

پر تو افشانی هسته ای عبارت است از تغییر شکل بدون نظم (خردشدن) هسته ی اتم بعضی عناصر اورانیوم (u)، توریوم (th)، رادیوم (ra) و غیره که در نتیجه شمار اتم و توده آنها تغییر می نماید. عناصر، مواد با خواص رادیواکتیو نام دارند، یعنی عناصری که فقط از ایزوتوپهای رادیواکتیو تشکیل شده اند. مواد رادیواکتیو با سرعت معین و دقیقی به ذرات تقسیم می شوند و این یک قانونمندی بوده و در تسریع یا محدود شدن آن هیچگونه عواملی تأثیر ندارند و این همان خطری است که امروز مناطق آلوده را تهدید می نماید. مسئله بر سر این است که بعضی ذرات رادیواکتیو دوره پر تو افشانی دراز مدت دارند و ما فعلاً قادر نیستیم تأثیری در محدود کردن سرعت این پرتو افشانی اشعه باشیم. البته تدابیر غیر فعال کردن ذرات (DEZAKTIVATION) موجود است که آن هم تعیین کننده نمی باشد. مواد رادیواکتیو قادر به پراکنش اشعه های آلفا (a)، بتا (b) و گاما می باشند. اشعه آلفا u بارت از ذرات با محتوای الکتریکی مثبت بوده و با سرعت ۲۰ هزار کیلومتر در ثانیه در حرکت می باشد. اشعه بتا عبارت از ذرات با محتوای الکتریکی منفی بوده و سرعتش نزدیک به سرعت نور است و اشعه گاما عبارت است از امواج کوتاه شعاع الکترومغناطیس است. این اشعه شبیه به اشعه رونتگن بوده ولی سرعت انرژی اش از سرعت و انرژی اشعه رونتگن زیادتر است. اشعه گاما خطرناکتر از سایر اشعه هاست و دارای قدرت تخریبی بیشتری است. هر سه نوع این اشعه ها دارای خواص یونیزاسیون بوده و قادرند تا عمق مواد مختلف داخل گردیده، سلول های زنده اورگانیزم را یونیزه کرده نابود نمایند. هر سه این اشعه ها دارای قدرت تخریبی زیست محیطی می باشند.

یک بازنگری به تاریخ پژوهش های اتمی نشان می دهد که نیمه ی دوم قرن بیستم به خصوص سالهای آخر جنگ دوم جهانی در تاریخ بشر به عنوان شروع عصر پژوهش های هسته ای ثبت گردید. البته پژوهش های هسته ای در مؤسسات و نهادهای علمی از طرف دانشمندان کشورهای پیشرفته از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع گردیده در آلمان، دانمارک و ایالات متحده آمریکا دانشمندان به سعی شبانه روزی خود برای دستیابی به اسرار اتم ادامه می دادند و اوایل قرن بیستم را شکل گیری فیزیک نوین بود. دانشمند شهیر لهستانی ماری اسکلودوواسکایا کوری و پیرکوری (شوهرش) در همین وقت رادیوم پلونیوم را کشف کردند. دانشمند شهیر فرانسوی بکرل یکی از دانشمندان بزرگ قرن بیستم آلبرت انشتین در سال ۱۹۰۵ با کشف بسیار بزرگ خود در مورد

راههای تولید پر...

بتا می باشد.

سزیموم - ۱۳۷ این ماده رادیو آکتیو ایزوتوب کامل بتا بوده و محصول رادیو آکتیویته جنبی آن ۱۳۷ منبع ایزوتوب گاما می باشد. دوره پرتوافشانی این ایزوتوب کم بوده و همیشه در وضعیت مساوی با ماده ی مادر است. در مکانهای بیولوژیکی هنگام تحقیق پرتوافشانی هسته ای فقط به تحقیق سزیموم- ۱۳۷ کفایت می نمایند. باید گوشزد گردد که رفتار این مواد پرتوافشان در سلول های اورگانیزم انسانی و حیوانی مختلف است. مقدار سزیموم - ۱۳۷ هنگام تقسیم هسته، اتمهای سنگین در حدود $6/42 - 4/34$ درصد می باشد. در رابطه با نحوه ی استفاده از انرژی اتمی استرونیوم - ۹۰ سزیموم- ۱۳۷ بقایای مواد رادیو آکتیو و یا محصول انفجارات اتمی به محیط زیست وارد می گردد. منبع اساسی بقایای رادیو آکتیو که در ترکیبشان استرونیوم- ۹۰ و سزیموم - ۱۳۷ موجود می باشد رآکتورهای اتمی و کارگاه های تبدیل سوخت های هسته ای می باشند. در نتیجه انجام انفجارات آزمایش اتمی و هسته ای در سطح زمین به مقدار زیادی محصولات پرتوافشان انباشته شده محصولات پرتوزای مصنوعی که از اتمسفر به سطح زمین می افتند (وارد می شوند) به طور غیر برابر در سطح زمین پراکنده می گردند. این محصولات رادیو آکتیو در سطح زمین در عرض جغرافیایی ۵۰- ۴۰ درجه شمالی و جنوبی بسیار و به طور فشرده پراکنده می گردند که با جریان توده هوایی و سمت آن در رابطه می باشند امروزه معین گردیده که مقدار اساسی این مواد در نیم قطب شمالی پراکنده می گردد. به طوری که گفته شد از سالهای ۱۹۴۰ میلادی تا به امروز در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپا، در ایالات متحده آمریکا و چین صنایع اتمی ایجاد گردیده و سریعاً توسعه یافت. ایجاد صنایع اتمی و دامنه توسعه آن در کشورهای آسیایی و آفریقایی هم تحقق یافت.

امروزه کشورهای اسرائیل، آفریقای جنوبی، هندوستان، پاکستان و کره شمالی نامزد ورود به کلوب اتمی هستند. ساخت استاسیونهای الکتریکی اتمی، اختراع بمب های اتمی، هسته ای، آزمایشات آنها در اتمسفر، سطح زمین، اقیانوسها و زیرزمین یک پدیده جدید بسیار خطرناک پرتوافشانی هسته ای مصنوعی را ایجاد نمود که در این مدت سلامتی میلیونها انسان را نابود کرده و انواع امراض، به خصوص سرطان ارگانهای مختلف را به ارمغان آورد. کشتی ها، یخ شکنها، زیر دریاییهای اتمی، بمبارانهای اتمی این پدیده را خطرناکتر کرده میزان آلودگی بیوسفر را شدیداً بالا برد. بمبارانهای اتمی هیروشیما، ناکازاکی در ژاپن از طرف دولت امپریالیستی آمریکا آزمایشات بمب اتمی، هسته ای در فضا، دریا و زیر زمین اثرات فاجعه باری از خود به جا گذاشت و در این دوره میلیون ها نفر در دنیا از این حوادث خسارت دیدند. امروز با گذشت ۵۳ سال از بمبارانهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی در ژاپن هنوز هم آثار آنها به اشکال مختلف تظاهر می کند. نتایج آزمایشات بعدی اتمی و هسته ای تا به امروز هم خودنمایی می کند و باعث شیوع انواع و اقسام بیماری ها به خصوص سرطان می گردد. انفجار در ایستگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین قسمت بزرگی از سرزمین اوکراین، روسیه و جمهوری بلاروس را شدیداً دچار پرتوافشانی هسته ای کرده و این مناطق را برای سالهای زیادی غیر قابل سکونت نمود. ده

ها شهر و صدها ده کوچ داده شد و یک منطقه عظیم آلوده و خطرناک در اروپای شرقی ایجاد گردید. بر طبق آمارهای آکادمی علوم پزشکی جمهوری روسیه پس از گذشت ده سال از این انفجار فلاکت بر امروزه ۴۵ هزار بیمار موجود می باشد و اکثر نوزادان در این مناطق تحت تأثیر پرتوافشانی هسته ای ناقص الخلقه قدم به زندگی می گذارند که برای یک عمر ناراحتی ایجاد خواهد کرد. دامنه فاجعه چرنوبیل بسیار گسترده تر از آن است که آن را واقع ای مربوط به گذشته تلقی کنیم. زیرا قسمت عمده اثراتش در آینده جلوه گر خواهد شد. تراژدی چرنوبیل یک بار دیگر این سؤال را برای جامعه بشری مطرح کرده که دستاوردهای تکنولوژیکی چگونه آثاری در زندگی مان خواهد داشت. در اینجا به جا است مطرح گردد که اکتشافات علمی و کاربرد آنها شالوده پیشرفت واقعی به شمار می آیند و یا تکامل تکنولوژیکی معاصر خطرات جدی را در آینده برای بشریت خواهد داشت. در هر یک از این دو حالت اکنون جامعه بشری با یک وضع تراژیک که زائیده پیشرفت صنعت در مقیاس بزرگ می باشد روبرو است. فاجعه چرنوبیل منطقه ای نبوده، جنبه بین المللی به خود گرفت. به طوری که آلودگی رادیو آکتیویته نه تنها جمهوری اوکراین، جمهوری های روسیه و روسیه سفید (بلاروس) بلکه کشورهای اروپای شمالی را هم در بر گرفت. البته شدت پی آمدهای این فاجعه در هر کشور متفاوت بود. بر طبق اطلاعات کراوچنکو (۱۹۹۰) ۷۰ درصد مواد پرتوزا که در جریان انفجار در رآکتور چهارم نیروگاه هسته ای چرنوبیل رها شد در جمهوری بلاروس رسوب کرد و در نتیجه در جمهوری ۲۰ درصد زمین ها هم اکنون به هسته های پرتوزا (رادیو نوکلید) آلوده می باشند. بر طبق اطلاعات یونسکو (یونسکو ۱۹۹۰) آلودگی رادیو آکتیویته بر محصولات کشاورزی و صنعتی تأثیر بزرگی داشت و مقادیر بزرگی از منابع طبیعی غیر قابل استفاده گردید. حادثه چرنوبیل تأثیر بزرگی بر زیست کره داشته که در دراز مدت بر طرف نخواهد شد. مواد پرتوزای رها شده از رآکتور منفجره در سایر جمهوری ها هم رسوب کرده آلودگی هسته ای به وجود آورد. جالب است که آلودگی ناشی از انفجار چرنوبیل در جمهوری های قفقاز هم بازتاب داشته. بر طبق اطلاعات به دست آمده (شکوری، عبدالله اوف (۱۹۹۷) مقدار استرونیوم - ۹۰ و سزیموم - ۱۳۷ در دوره بعد از انفجار در خاکهای مزروعی جمهوری آذربایجان تا $0/4 - 0/2$ درصد ازدیاد یافته و باعث آلودگی محصولات کشاورزی در بعضی نقاط جمهوری گردیده است. معین گردیده که هسته های رادیو آکتیو در بعضی موارد از طرق اندام های خارجی گیاهان (شاخ و برگ) وارد ارگانیزم می گردند ولی در اکثر موارد و به طور کلی اندامهای داخلی گیاه به خصوص ریشه آنها را جذب کرده به ارگانهای گیاه منتقل می نماید.

لازم به تذکر است که به سبزی های برگ دار را مانند کلم، کاهو امکان ورود هسته های پرتوزا بسیار زیاد می باشد ولی در سبزی های جدا برگ مانند گوجه فرنگی یا پیاز امکان ورود هسته های پرتوزا کمتر است. امروز همچنین معین گردیده که رابطه ی مستقیمی بین سطح آلودگی خاک و

گیاه موجود می باشد

در مورد استرونیسیوم - ۹۰ ضریب انتقال خاک - گیاه در خاکهای با ترکیب میکائیکی سیک (ماسه ای، شنی) خیلی کمتر از خاکهای با بافت سنگین (رسی) است. در مورد سزیم - ۱۳۷ این اختلاف به مراتب کمتر می باشد. امروز تعیین ارقام واقعی پیامدهای فاجعه چرنوبیل حتی با تکنولوژی پیشرفته معاصر هم امکانپذیر نمی باشد. بر طبق تخمین های نهادهای علمی (اسرائیل و همکاران ۱۹۹۰) در حدود ۱/۹ و 5×10 بکرل اشعه به جو داخل گردیده و به تمام کشورهای نیم کره شمالی منتقل شده در خاکها و آبهای سطحی ته نشین گردیده است.

بر طبق اطلاعات سازمان ملل متفق (۱۹۸۸) وزن کل مواد رادیواکتیو که در جو رها شده در حدود ۷۷ کیلوگرم بر آورد گردیده. امروز همچنین معین گردیده تعداد ایزوتوپیایی که در حادثه انفجار راکتور چرنوبیل به فضا پرتاب شده در حدود ۳۰ نوع بوده با نیمه عمری از ۱۱ سال (کریبتونه - ۸۵) تا ۲۳۰۶۵ سال (پلوتونیوم - ۲۳۹) تشکیل می دهند. تریتیوم و ۲۵ درصد کربن - ۱۴ (به ترتیب با نیمه عمر ۱۲ و ۵۷۳۰ سال) به داخل جو رها شدند. امروز مبارزه با پرتوافشانی هسته ای به یک مسئله بزرگ و پر هزینه جهانی تبدیل گردیده. حد خطرناک اشعه اشباع شده ارگانسیم و ارگانها به قرار زیر می باشد: سزیم ۲۰، قسمت پایین شکم ۳۰، قسمت بالای شکم ۵۰، سلول های سینه ۱۰۰، قسمت پایین ستون فقرات ۲۰۰ گرمی (Gzey) می باشد. درجه حساسیت ارگانهای مختلف بدن به اشعه اشباع شده هم یکسان نمی باشد. و به ترتیب عبارتند از سلول های لمفاتیک <گره های لمفاتیک> غدد تیروئید <فسفر استخوان.

ارگانهای تولید کننده ی خون در بدن انسان شدیداً به اشعه رادیواکتیویته حساس می باشند و این مسئله به پزشکان در تعیین خصوصیات امراض سرطانی کمک می نمایند. تحت تأثیر اشعه رادیواکتیویته (۰/۵ گرمی) در ارگانسیم انسانها بعد از ۲۴ ساعت تعداد لمفوسیت ها شدیداً تقلیل می یابد (مدت زندگی لمفوسیت ها کمتر از ۲۴ ساعت می باشد). در ارگانسیم مریض مقدار گلبولهای قرمز هم تقلیل می یابد (دوره زندگی گلبولهای قرمز صد شبانه روز است). در انسان سالم تعداد گلبولهای قرمز در حدود ۱۴۱۰ بوده روزانه ۱۲۱۰ عدد تولید می شود. در بیماران سرطانی این تعداد شدیداً تقلیل می یابد که در نتیجه به مرگ ارگانسیم می انجامد. امروزه بر اثر مشاهدات جدی پزشکی در نواحی آلوده به مواد رادیواکتیو معین گردیده که میانگین فراوانی اخلاهای تیروئید، سرطانی بدخیم و نئوپلاسم (رشد جدید سنجی نابجا) و لوسمی ۵۰ درصد افزایش یافته. پژوهش های انجام یافته در جمهوری روسیه و اوکراین نشان داد که در نواحی آلوده به مواد رادیواکتیو تعداد سقط جنین، نوزادان مرده و کودکانی که با ساخت ناهنجار ژنتیکی به دنیا آمدند به مراتب زیادتیر شده است. همچنین معین گردیده است که خون و ادرار کودکان به شدت به یونهای سرب آلوده گردیده است. در مناطق آلوده اوکراین و روسیه سفید موارد کم خونی (لیکومی) و عدم کارایی و عدم کارایی سیستم ایمنی در انسانها زیادتیر شده، بیماری های عفونی، قلبی، بیماری مزمن ریه به مراتب از دید

یافته، ساختمان ژنها و سلول ها آسیب پذیر گردیده است. درجه تأثیر شعاع به ارگانیزم با مقدار آن در تناسب می باشد. اگر در منطقه ی آلوده پرتوافشانی متداوم و فشرده باشد تأثیر منفی آن در ارگانسیم شدید خواهد بود. در صورتی که پرتوافشانی متداوم نبوده و از قدرت زیاد بر خوردار نباشد خسارات وارده به ارگانسیم کمتر و تأثیر آن در مدت زمان محسوس خواهد بود. اشعه های آلفا و بتا کمتر از اشعه گاما خطرناک ترند. آلفا و بتا با سرعت کم به سلول وارد می شوند. بر عکس این ها اشعه گاما و نیترونها با سرعت زیاد به عمق سلول ها وارد شده و آنها را از هم می پاشند که بسیار خطرناک می باشد. بعضی مواد رادیواکتیو پس از ورود به ارگانسیم به صورت برابر در ارگانسیم و ارگانها تقسیم می شوند. در این صورت خطر کمتر است. ولی بعضی از این مواد وارد ارگانسیم شده و به صورت لوکال (محدود) در یک ارگان متمرکز می شوند. جالب است که اشعه آلفا عناصر رادیوم، اورانیوم، پلوتونیوم، اشعه بتای استرونیسیوم و ایتربیوم و اشعه گاما سیرکونیوم در سلول های استخوان متمرکز شوند.

این عناصر با سلول های استخوان در رابطه شیمیایی بوده و به سختی از ارگانسیم خارج می شوند. تراژدی آلودگی محیط با مواد رادیواکتیو در این است که درصد اساس رادیو نوکلیدها، عناصر با خواص رادیواکتیو - به وسیله باران، نزولات آسمانی، طوفانها، بادها به خاک وارد شده در قشر هوموس آن متمرکز می یابند. این وضع به خصوص در خاکهای با بافت سنگین به مراتب بیشتر مشاهده می گردد. آلودگی خسارت جدی به محیط زیست وارد می نماید. در کشورهای اروپایی و کشورهای صنعتی پیشرفته آسیا، آمریکا به اهمیت مسئله مبارزه با آلودگی رادیواکتیویته پی برده و مؤسسات علمی اختصاص رادیولوژیکی تشکیل یافته است. امروزه مؤسسات و انستیتوی تحقیقاتی در این کشورها به تجسسات دامنه داری در شناسایی مناطق آلوده، علل و عوامل آلودگی و تدابیر پیشگیری از این آلودگی ها، راه ها و شیوه های در اکتیواسیون زمین های اشعه زده را بررسی می کند. این یکی از مسائل بسیار مهم زمان بوده و یاسلامتی انسانها و نسلهای آینده در رابطه می باشد. در مبارزه با آلودگی رادیواکتیویته فضای سبز از اهمیت به خصوصی بر خوردار می باشد البته درختان، درختچه، فضای سبز، قادر نیستند که به طور کامل مواد رادیواکتیویته را کاهش دهند یا از بین ببرند. ولی با کاهش، تنظیم و پراکنده کردن آن در محیط تا حدود اثرات رادیواکتیویته را محدود می نمایند. پژوهش های انجام شده نشان می مقدار اشعه که شاخ و برگ درختان جذب می کنند در پشت فضای سبز طرف بادگیر ۳۰-۴۰ برابر بیش از مقدار مواد رادیواکتیو است که در جلوی فضای سبز انباشته شده است. امروز وقت آن رسیده است که اقدامات جدی برای حفاظت از جنگلها و فضای سبز، ترمیم جنگل های مخروبه، ایجاد جنگل های مصنوعی در مقیاس کشوری و ملی انجام گیرد و علیه جنگل زدایی جهاد اعلام شود. با در نظر گرفتن این که تشکیل مؤسسات اتمی با مقاصد غیر جنگی، مؤسسات اتمی و هسته ای که به مقاصد جنگی خذفت می نمایند ایستگاه های الکتریکی اتمی، انبارها و قبرستان های مواد رادیواکتیو هر روز در جهان بیشتر

راههای تولید پر...

جدول میزان پرتو افشانی هسته ای در بعضی مناطق کشورمان

منطقه مورد آزمایش	خاک	میزان افشانی هسته ای میکرو رونتگن در شاعت	کلارک clark حد معمولی نرمال رادیوآکتیو
مشهد - بیرجند	قهوه ای خاکستری (فرسایش)	۱۸ - ۲۴	
نیشابور (ایستگاه کشاورزی و مناطق جنوب غربی)	خاکستری (آرید)	۱۸ - ۲۰	
کیوتر آباد اصفهان	خاکستری قهوه ای (آرید)	۲۸ - ۳۸	
تهران دامنه های ابرز در راستای تله کابین	خاکستری قهوه ای	۲۴ - ۴۲	
اردبیل مناطق مسکونی	_____	۲۰ - ۲۵	
در داخل بعضی ساختمانهای دولتی	_____	۱۴ - ۳۰	
اردبیل اطراف دریاچه شورابیل	خاکستری	۳۰ - ۶۶	
منطقه سرعین	خاکستری قهوه ای	۲۸ - ۳۸	
بيله دره	قهوه ای خاکستری	۴۴ - ۶۶	
منطقه مرند زنود	خاکستری قهوه	۳۲ - ۵۱	

**پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق
حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد**

راههای تولید پر...

با نگاهی به جدول فوق نشان می دهد که در تمام مناطق تحقیق میزان شعاع پراکنی بمراتب بیش از حد مجاز آن می باشد (حد مجاز 7-14 میکرونتگن در ساعت می باشد. در بعضی از کشورهای اروپایی حد نرمال اشعه رادیو اکتیو 7-12 میکرو رونتگن تعیین گردیده). اینجاست که طبل هیجان باید به صدا در آید. بر طبق اطلاعات مرکز سرطان کشور بیشترین بیماران سرطان در مناطق اردبیل، نیر، سراب، مرند می باشد. بخصوص بیماران لیکومی (سرطان خ نظر بیماری سرطانی که محصول اشعه های رادیو اکتیو می باشند. تهران و حوالی، اصفهان، اراک، بعضی نقاط مازندران (در رابطه با آلودگی آبهای زیر زمینی با مواد رادیو اکتیو) نیز مناطق بحرانی بشمار می روند.

می شود و این که در کشورمان نیز تجسسات اتمی برای مقاصد صلح آمیز (ساخت ایستگاه های الکتریکی اتمی) جان می گیرد، لازم است که در جنت سازمان انرژی اتمی کشور، دانشگاه های تهران، اصفهان، تبریز، مشهد، شیراز و اهواز مؤسسات علمی رادیولوژیکی برای پژوهش های پرتوافشانی هسته ای مصنوعی و طبیعی به طور کلی شناسایی این مشکل ایجاد گردد.

مؤسسات علمی و تخصصی به منظور شناسایی خاکهای آلوده با پرتوافشانی هسته ای مصنوعی و طبیعی محصول کشاورزی آلوده به اشعه مواد رادیو اکتیو باید در سیستم سازمان تحقیقات کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی و منابع طبیعی تأسیس و با یک برنامه جامع به کار مشغول گردد و این امر باید از توجه مخصوص دولت بر خوردار گردد. با در نظر گرفتن اهمیت مسئله ایجاد و توسعه هماهنگی در کارهای پژوهشی مربوط به مسائل رادیو اکتیویته، تشویق به کار خلاقه ی گروهی در امر شناسایی پیامدهای آلودگی رادیو اکتیویته و همچنین وسعت و گسترش فعالیت ها در این زمینه باید از اولویت خاصی بر خوردار بوده و در صدر فعالیت مقامات مربوطه دولتی، دانشمندان، محققین و دست اندر کاران قرار گیرد. به منظور تحقق بخشیدن به این اهداف علی رغم تنگناهای موجود دانشمندان و محققین بر جسته و کاردان باید به این تحقیقات جلب شوند. کارگاه ها، آزمایشگاههای مجهز تشکیل و به کار مشغول گردد. اینها مسائلی است که با منافع ملی و سلامتی نسل های آینده کشورمان در رابطه می باشد.

پروفسور دکتر بهروز شکوری

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 100 - ci nömrə. APREL 2013
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
www.adf – mk.az

باش رداكتور: امير علي لاهرودي
 قزئت تحريريه هئيتي طرفيندن نشر اولونور
 قزنتين آرتيريپ، ياييمي آزاددير
E- mail info @ adf – mk az